



فصلنامه اقتصاد کاربردی
دوره ۱۵، شماره ۵۴، پاییز ۱۴۰۴

بانکداری فراساحلی: مرور ادبیات نظری و آرایه پیشنهاداتی برای ایران

عباس معمارنژاد^{۱*}، حمیدرضا کردلویی^۲، عبدالعظیم ملایی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۲

DOI: 10.30495/JAE.2023.71049.1459

چکیده: بانکداری فراساحلی یکی از روشهای بانکداری در جهان است که با استفاده از عملیات غیرمستقیم بانکی، خدمات بانکی و مالی در اختیار افراد و شرکتها قرار می‌دهد. بانکها در مناطق جغرافیای خاص مانند لوکزامبورگ، کیمن و لبوان به منظور آرایه خدمت به غیرمقیمان با مقررات سهل‌گیرانه، فراساحلی نامیده می‌شوند. بسته به نیازهای مشتریان، طیفی از خدمات در بانک فراساحلی قابل آرایه خواهد بود که مهمترین آنها شامل موارد ذیل است: افتتاح حساب، ارسال حواله، اعتبار اسنادی، یوزانس، صدور ضمانت‌نامه، ریفاینانس و سایر خدمات بانکداری. در این مقاله تلاش شده است ضمن مرور ادبیات حاکم بر بانکداری فراساحلی، مدل مطلوب این نوع بانکداری به منظور ایجاد یک منطقه هاب بانکی و مالی در ایران پیشنهاد شود. مشابه کشورهایی مانند چین، مالزی و انگلیس که دو نوع عملیات بانکی داخلی و خارجی را از یکدیگر تفکیک نموده‌اند، توسعه این ابزار نیز می‌تواند هزینه و ریسک تجارت و سرمایه‌گذاری را کاهش داده و تجار و سرمایه‌گذاران خارجی (به ویژه از کشورهای منطقه) را درگیر زیرساخت‌های بانکی و مالی ایران نماید. شرایط تحریمی ایران نیز به اهمیت و ضرورت توسعه این مدل بانکداری افزوده است، چرا که مزیت مهم این نوع بانکداری، عدم نیاز به همکاری یک بانک یا نهاد مالی خارجی با آن است؛ چرا که بانک فراساحلی بطور مستقیم و با دسترسی از راه‌دور به اشخاص و شرکت‌های خارجی سرویس بانکی بین‌المللی آرایه می‌کند و نیازی به حضور شخص یا شرکت خارجی در ایران نیست. بنابراین، این نوع بانکداری در شرایط تحریمی نیز امکان آرایه حداقلی از سرویس‌های بانکداری بین‌المللی را دارد.

واژگان کلیدی: بانکداری فراساحلی، بانکداری غیرمستقیم، ابهام حساب‌شده و تفکیک مقررات.

^۱ استاد گروه علوم اقتصادی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران memarnejad@srbiau.ac.ir (نویسنده مسئول)

^۲ دانشیار گروه مدیریت مالی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

^۳ دانشجوی دکتری مالی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

مقدمه

بانکداری فراساحلی^۱ یکی از روش‌های مرسوم بانکداری در جهان است که با استفاده از عملیات غیرمستقیم بانکی، خدمات بانکی و مالی در اختیار افراد و شرکت‌ها قرار می‌دهد. در این نوع بانکداری، عمده عملیات ارزی در قالب ارزهای غیرمستقیم صورت می‌گیرد و امکان انجام عملیات بانکی را برای ذینفعان ممکن می‌سازد.

بانکداری فراساحلی به یکی از اجزای اصلی سیستم مالی بین‌المللی تبدیل شده است. اگرچه ارقام دقیقی در دسترس نیست، تخمین زده می‌شود که در هر زمان، حدود ۱۰ درصد از تولید ناخالص جهانی در مدارهای فراساحلی جایجا شود. در واقع، بسته به نحوه تعریف آنها، اکنون بین ۱۴ تا ۷۰ مرکز مالی فراساحلی^۲ (OFC) در سراسر جهان پراکنده شده است. بانک تسویه بین‌المللی (BIS) تخمین می‌زند، پنج OFC بزرگ (باهاما، جزایر کیمن، آنتیل، هنگ کنگ و سنگاپور) با هم ۱۲ درصد از کل تعهدات (بدهی) بانک‌های بین‌المللی را تشکیل می‌دهند - سهمی بیشتر از ایالات متحده (Roberts, 2009).

علاوه بر فعالیت‌های بانکداری فراساحلی از نوع سنتی، بازارهای مالی فراساحلی شامل تجارت خدمات مالی بزرگ و متنوع است که محصولات یا ابزارهای مالی نوآورانه را در بازارهای اوراق قرضه ارائه می‌کند. تعدادی از کشورهای کوچک با تبدیل خود به مراکز فراساحلی بین‌المللی، اقتصادهای موفقی را ایجاد کرده‌اند. برخی از مراکز مالی فراساحلی در مکان‌هایی واقع شده‌اند که پتانسیل‌های اندکی به لحاظ رشد و توسعه اقتصادی دارند، اما توانسته‌اند با تکیه بر بانکداری فراساحلی، به توسعه اقتصادی مناسبی برسند. به عنوان مثال، جزایر کارائیب با بالاترین تولید ناخالص ملی (GNP) سرانه شامل باهاما، کیمن و آنتیل می‌باشند.

مراکز مالی فراساحلی ظاهراً قدرت دولت را کاهش می‌دهد. افراد و شرکت‌های ثروتمند از خدمات مالی خارج از کشور برای به حداقل رساندن صورت حساب‌های مالیاتی خود، اجتناب از مقررات مالی داخلی، دسترسی به اعتبار یا پولشویی استفاده می‌کنند (Binder, 2019).

بطور تاریخی، در اروپا برخی از کشورهای کوچک مانند سوئیس، لوکزامبورگ و لیختن اشتاین خود را مقصد انواع خروج سرمایه قرار داده‌اند و از موقعیت خود در حوزه فراساحلی، استفاده مطلوبی داشته‌اند. با این حال، همانطور که در زیر بحث می‌شود، بانکداری فراساحلی نه تنها در این مراکز فراساحلی انجام می‌شود، بلکه در بازار جهانی نیز شاهد عملیات بانکی فراساحلی هستیم. همانطور که مشخص است، تأمین مالی فراساحلی حوزه‌ای از فعالیت نیست که کاملاً از عملیاتی بانکی در سرزمین اصلی منفک باشد. بیشتر تحلیل‌گران بر این باورند که عملیات بانکی فراساحلی از طریق جریان‌های پول و از طریق موسسات و سایر بازیگرانی که در هر دو حوزه کار می‌کنند، عمیقاً به عملیات بانکی در سرزمین اصلی متصل است.

محققان بانک تسویه بین‌الملل در پژوهشی برای ترسیم انتقالات پولی بین‌المللی، نشان دادند که بسیاری از تراکنش‌های بانکی بین‌المللی بین مراکز مالی در سرزمین اصلی، از طریق مراکز مالی فراساحلی انجام می‌شود. اگر این موضوع را عمیق‌تر بررسی نماییم، درمی‌یابیم که امور مالی فراساحلی عمدتاً در ارتباط تنگاتنگ با سرزمین اصلی قابل تعریف است. به طور خاص، مراکز مالی فراساحلی به منطقه‌ای اطلاع می‌شود که مالیات و مقررات حداقلی بر آن حاکم است (Roberts, 2009).

این تجربه در محدوده سرزمین ایران نیز قابل پیاده‌سازی است و این مقاله با بررسی ادبیات نظر حول این مفهوم در بانکداری بین‌الملل، جزیره کیش را بعنوان اولین مرکز مالی

² Offshore Financial Center

¹ Offshore Banking

می‌شود. به دلیل نیاز به کاهش ریسک و تنوع‌بخشی به ابزار، بانک‌های فراساحلی می‌توانند از پیام‌رسان مالی با معماری توزیع شده استفاده نمایند.

اهمیت و ضرورت

با توجه به شرایط خاص ایران و درگیر بودن سیستم بانکی ایران با موضوع تحریم تا آینده نامعلوم، جامعه پژوهشی کشور، می‌تواند با ارایه راهکارهایی میزان اثرات فشارهای خارجی را تا حدی کاهش دهد. از این جهت، این موضوع برای سیستم بانکی بین‌المللی کشور اهمیت و ضرورت خود را نشان می‌دهد.

علاوه بر این، دو حوزه بانکداری فراساحلی و پیام‌رسان مالی توزیع شده در شرایط عادی و بدون تحریم نیز کارکرد خود را دارند. چرا که موضوع بانکداری فراساحلی نزدیک به ۶ دهه قبل روند رشد تکاملی خود را آغاز نموده

هدف: بطور کلی هدف تحقیق شامل موارد زیر است:

۱. کمک به انجام تراکنش‌های بانکی بین‌المللی در داخل محدوده سرزمینی ایران و خارج از کشور؛
۲. کاهش هزینه‌های جابجایی پول؛
۳. گسترش ارائه خدمات بانکی برای تجار و بازرگانان و شرکت‌های فناور و دانش‌بنیان مقیم و غیرمقیم.

ضرورت

توسعه صادرات دانش‌بنیان مستلزم ایجاد زیرساختهای کلیدی به منظور ارایه خدمات حداکثری با هزینه حداقلی می‌باشد. در شرایط فعلی، شرکت‌های دانش‌بنیان برای انتقال ارز حاصل از صادرات خود باید مسیرهای پرریسک و با هزینه بالایی را انتخاب کنند. تنوع‌گرایی در ابزارهای بانکی می‌تواند ریسک شرکت‌ها را کاهش دهد. یکی از ابزارهای کلیدی که می‌تواند به انجام تراکنش‌های بین‌المللی کمک کند بانکداری فراساحلی است.

فراساحلی در ایران پیشنهاد می‌کند. بانک‌ها و نهادهای مالی فعال در این مرکز مالی، به ارزهای خارجی و غیر از ریال عملیات خود را انجام می‌دهند. عمده عملیات بانکداری فراساحلی به صورت چند ارزی (دلاری و یورویی) انجام می‌شود، حال آنکه بانک‌های فراساحلی، غالباً بصورت مستقیم در زیرساخت‌های دلاری و یورویی حضور ندارند.

تمرکز عمده انتقالات و جوه، بصورت درون‌بانکی برای بانک‌ها خواهد بود تا این بانک‌ها قادر باشند فرآیند پایاپای کردن (Clearing) تراکنش‌های بین‌المللی خود را در این بانک‌ها انجام دهند. ارزهای مورد استفاده نیز عمدتاً دلار غیرمستقیم، یوروی غیرمستقیم و درهم غیرمستقیم است و در صورت وجود بازار، سایر ارزها از جمله یوان، پوند، فرانک، روبل و لیر غیرمستقیم هم می‌تواند به سبد ارزی بانک‌ها اضافه شود.

بسته به نیازهای مشتریان، طیف وسیعی از خدمات این مرکز مالی فراساحلی قابل ارایه خواهد بود که مهمترین آنها شامل موارد ذیل است: افتتاح و نگهداری حساب، ارسال حواله، گشایش اعتبار اسنادی، یوزانس، صدور ضمانت‌نامه، فاینانس، ریفاینانس و سایر خدمات بانکداری بین‌المللی.

به نظر می‌رسد در میان‌مدت اقتصاد ایران همچنان با مساله تحریم روبرو باشد؛ یکی از ابزارهایی که هم در شرایط تحریمی و هم در شرایط بدون محدودیت می‌تواند به تجار خارجی در تعامل با اقتصاد ایران کمک حداقلی نماید، بانکداری فراساحلی است. این نوع بانکداری بصورت چند ارزی و بدون اتصال به اتاق‌های پایاپای بین‌المللی، می‌تواند نقش واسط تراکنش‌ها (بانک کارگزار) را ایفا نماید.

برای انجام عملیات بانکی بین‌المللی، بانک‌های فراساحلی نیازمند ارتباطات امن بانکی با هم‌تایان خارجی خود هستند. این ارتباطات عمدتاً از مسیر پیام‌رسان‌های مالی برقرار

مزایا

حسابی که در این بانکها افتتاح می‌شود، حساب فراساحلی نام دارد که افراد و شرکتها برای مزایای مالی و حقوقی این حسابها را افتتاح می‌کنند. این مزایا شامل موارد زیر است:

۱. حفظ زیاد حریم خصوصی
۲. مالیات صفر یا ناچیز؛
۳. دسترسی آسان به حسابها (از منظر مقررات)؛
۴. توسعه تجارت با ایران.

عملیات بانکی غیرمستقیم

این بانکها به هر ارزی - غیر از ریال - می‌توانند عملیات بانکی انجام دهند. نیاز به حضور مستقیم در محدوده جغرافیایی یورو یا دلار و با الگوبرداری از بانکهای حوزه کارائیب، انواع خدمات بانکی به هر ارزی را در اختیار مشتریان خود قرار می‌دهند. سرویس ویژه دیگری که این بانک می‌تواند در اختیار مشتریان حقوقی خود - بانکها و صرافی‌ها در کشورهای مختلف - قرار دهند، پایاپای کردن عملیات بین بانکها و نهادهای مالی در کشورهای مختلف است. در این حالت، برای انتقال منابع ارزی از در یک کشور به کشور دیگر، نیازی به بانکهای اروپایی نخواهد بود.

بانکداری فراساحلی اغلب با سطح بالایی از پیچیدگی مالی همراه است. با این حال، یک فرد معمولی می‌تواند تنها با چند ساعت کار یک حساب بانکی در خارج از کشور باز کند. هر بانک فراساحلی و حوزه قضایی خارجی الزامات خاص خود را دارد. اصطلاح بانکداری فراساحلی، برای توصیف بانکها، شرکتها و سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی استفاده می‌شود.

بانکداری فراساحلی اغلب به صورت منفی مورد بحث قرار می‌گیرد. به این دلیل که بسیاری از مردم از آن به

عنوان راهی برای پنهان کردن پول خود و اجتناب از پرداخت مالیات استفاده می‌کنند. دیگران از آن برای مقاصد غیرقانونی مانند پولشویی و فرار مالیاتی استفاده می‌کنند. در حالی که این فعالیتها مجرمانه هستند و می‌توانند منجر به پیگرد قانونی، زندان و/یا جریمه‌های سنگین شوند، بانکداری فراساحلی غیرقانونی نیست. داشتن یک بانک خارج از کشور می‌تواند کاملاً مشروع باشد اگر:

- ✓ کسب و کاری در یک کشور خارجی مدیریت شود؛
 - ✓ سرمایه‌گذاری انجام شود؛
 - ✓ افتتاح حساب انجام شود؛
 - ✓ استفاده از بسترهای قانونی برای تخفیف مالیاتی. برخی از نقاط جهان این امکان را ایجاد کرده‌اند که سرمایه‌گذار بدون پرداخت مالیات انجام شود.
- اغلب الزامات اضافی قابل توجهی که برای افتتاح حساب در یک بانک داخلی وجود دارد، برای بانکهای فراساحلی نیز مطرح است. این الزامات برای جلوگیری از پولشویی، ثقل مالیاتی، یا سایر فعالیت‌های غیرقانونی انجام می‌شود. بسیاری از بانکهای فراساحلی قبل از اینکه کسب‌وکار آغاز شود، ماهیت تراکنش‌های حساب را ارزیابی می‌نمایند. واریز به حسابهای بانکی فراساحلی اغلب به صورت الکترونیکی و از طریق حواله‌های سیستمی بین‌المللی انجام می‌شود.

بانک‌های فراساحلی راه‌های مختلفی را برای برداشت وجوه ارائه می‌دهند تا سهولت استفاده از خدمات را به حداکثر برسانند. برخی بانکها کارت اعتباری صادر می‌کنند که به وجوه موجود در کارت در غالب کشورهای جهان در دسترس است. برخی از بانکهای فراساحلی چک ارائه می‌کنند. با این حال، این معمولاً یک روش

ترجیحی نیست - در درجه اول، زیرا محرمانه بودن اغلب در حساب‌های فراساحلی مد نظر است.

ادبیات نظری

علیرغم توسعه روزافزون کسب و کارهای حوزه فراساحلی، این صنعت پدیده‌ای جدید در ایران بوده و روند توسعه ابرازهای حاضر در مراکز مالی فراساحلی، توسعه چندانی نداشته است. تنوع بخشی در ابزارهای بانکی مالی در حوزه بین‌المللی و ایجاد سطحی از پایداری خدمات یکی از راهبردهای محوری کشورها است که بتوانند صادرات خود را توسعه داده و رفاه بیشتری را برای شهروندانشان فراهم نمایند. یکی از این ابزارها، بانکداری فراساحلی است که دارای تجربیات مناسبی در دیگر کشورهاست.

بعد از بحران مالی سال ۲۰۰۸ ظرفیت‌های مثبت این مراکز مورد پذیرش روزافزون اقتصاددانان قرار گرفته است. هم اکنون نیز بیش از پیش، در بسیاری از کشورها این ظرفیت‌ها شناسایی شده و مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد؛ به طور مثال نسبت دارایی مالی آلمانی‌ها در تعدادی از مراکز مالی فراساحلی، به GDP این کشور از ۴ درصد در سال ۱۹۹۶ به نزدیک ۱۸ درصد در سال ۲۰۰۸ افزایش پیدا کرده است، که نشان از عدم توانایی و توفیق نهادهای بین‌المللی در کاهش سرمایه‌گذاری در این مراکز دارد (Hebous, 2011).

اصطلاح فراساحلی به مکانی در خارج از کشور خود اشاره دارد. این اصطلاح معمولاً در بخش‌های بانکی و مالی برای توصیف مناطقی استفاده می‌شود که مقررات با کشور اصلی متفاوت است. مکان‌های فراساحلی معمولاً کشورهای جزیره‌ای هستند، جایی که نهادها شرکت‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها و سپرده‌ها را تأسیس می‌کنند. شرکت‌ها و افراد (معمولاً آن‌هایی که دارایی خالص بالایی دارند) ممکن است برای شرایط مطلوب‌تر، از جمله اجتناب از مالیات، مقررات آسان‌تر، یا حفاظت از دارایی‌ها، به خارج

از کشور مهاجرت کنند. اگرچه موسسات فراساحلی نیز می‌توانند برای مقاصد غیرقانونی مورد استفاده قرار گیرند، اما غیرقانونی تلقی نمی‌شوند.

فراساحل می‌تواند به انواع مختلفی از نهادها، حساب‌ها یا سایر خدمات مالی مستقر در خارج اشاره کند. به منظور واجد شرایط بودن به عنوان خارج از کشور، فعالیت در حال انجام باید در کشوری غیر از کشور اصلی شرکت یا سرمایه‌گذار باشد. به این ترتیب، در حالی که پایگاه اصلی یک شخص یا شرکت ممکن است در یک کشور باشد، فعالیت تجاری در کشور دیگری انجام می‌شود. به زبان ساده، رفتن به خارج از کشور خدماتی را به افراد غیرمقیم ارائه می‌کند.

در ساده‌ترین مفهوم، فراساحل می‌تواند به معنای هر مکانی در خارج از کشور باشد - هر کشور، قلمرو یا حوزه قضایی. اما این اصطلاح به طور گسترده‌ای مترادف با مکان‌های خاصی شده است که برای فعالیت‌های تجاری فراساحلی محبوب شده‌اند، به ویژه کشورهای جزیره‌ای مانند جزایر کیمن، برمودا، جزایر کانال و باهاما. سایر مراکز در کشورهای محصور در خشکی، از جمله سوئیس، ایرلند، و بلژیک نیز واجد شرایط به عنوان مراکز مالی فراساحلی محبوب (OFCs) هستند. مراکز مالی فراساحلی گاهی به عنوان فضایی نامطلوب در بانکداری بین‌المللی در نظر گرفته می‌شوند که با جذب متقلبان مالیاتی و پول‌شویی رشد می‌کنند. با این حال، حاکمیت و استقلال دموکراتیک آنها، توانایی نهادهای بین‌المللی را برای مداخله مستقیم در اقتصاد خصوصی مراکز مالی فراساحلی محدود می‌کند (Picard & Pieretti, 2011).

در اواخر دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، فرآیندی اتفاق افتاد که صنعت مالی فراساحلی به خوبی توسعه داد. این دوره‌ای بود که طی آن نظام مالی بین‌المللی دستخوش یک دوران گذار عمیق شد. از پایان جنگ جهانی دوم تا آن زمان، نرخ ارز

شرکت‌های سرزمین اصلی می‌توانند شرکت‌های تابعه خود را به عنوان مراکز سود خود تأسیس کنند و آنها را در مراکز مالی فراساحلی مستقر کنند (Roberts, 2009).

با جهانی شدن بیشتر اقتصاد در طول سه دهه آخر قرن بیستم با نقش برجسته‌تر مالی بین‌المللی، مراکز مالی فراساحلی تبدیل به مامنی برای موسسات مالی و سایر شرکت‌های انتقالی تبدیل شدند تا بتوانند از توپوگرافی ناهموار مقررات و مالیات بهره کافی ببرند.

بازارهای فراساحلی به مکان‌های نوآوری تبدیل شدند، زیرا انواع جدیدی از نهادها و محصولات یا ابزارهای مالی توسعه یافتند تا شرکت‌ها و بانک‌ها بتوانند از تفاوت‌های مکانی در مقررات مربوط به فعالیت‌های مالی (مانند محدودیت‌های نرخ بهره، الزامات ذخیره، و الزامات گزارش‌دهی) استفاده نمایند. یک شرکت دارای مالکیت معنوی (اختراعات، حق چاپ و غیره) می‌تواند ساختار خود را به گونه‌ای تشکیل دهد که پتنت‌ها توسط یک شرکت تابعه مستقر در مراکز مالی فراساحلی نگهداری شود و سپس شرکت مادر در سرزمین اصلی، هزینه‌های معجز یا حق امتیاز شرکت تابعه خود را پرداخت کند و به طور موثری مالیات‌های خود در سرزمین اصلی را حداقل نماید. از اواسط تا اواخر دهه ۱۹۹۰ تلاش‌های زیادی برای تقلیل جایگاه و اهمیت مراکز مالی فراساحلی صورت گرفته است. منشأ این اقدام در گسترش عظیم بازارهای فراساحلی در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ نهفته است. با افزایش جریان سرمایه‌های فراساحلی، نهاد‌های مقررات‌گذار در سرزمین اصلی شروع به نگرانی در مورد بازارهای فراساحلی و به طور خاص در مورد نقش بانک‌های فراساحلی کردند (Roberts, 2009).

تعریف بانکداری فراساحلی

شهرها، مناطق یا کشورهایی که تلاش آگاهانه‌ای برای جذب کسب‌وکار مقیم خارجی با اتخاذ یک نگرش

تا حدودی تحت سیستم به اصطلاح برتون وودز ثابت بود. دلار آمریکا به عنوان واحد پول جهانی عمل می‌کرد و به طلا (۳۵ دلار در هر اونس) وابسته بود. فشارهای عظیمی بر این سیستم نسبتاً انعطاف‌ناپذیر (اما باثبات) در دهه‌های پس از جنگ به دلیل رشد اقتصادی نابرابر ایجاد شد. ایالات متحده خود را در موقعیت کسری قرار داد (تا حدی به دلیل هزینه‌های جنگ ویتنام) و در اوت ۱۹۷۱، رئیس‌جمهور ریچارد نیکسون، تبدیل دلار به طلا را به حالت تعلیق درآورد، هزینه اضافی بر واردات اعمال کرد و خواستار کاهش ارزش دلار شد. در نهایت، سیستم نرخ‌های ارز ثابت یا ثابت دچار فروپاشی شد و ارزهای دنیا در برابر یکدیگر شناور شدند. استحکام رژیم ارزی پس از جنگ برتون وودز شکسته شد.

. به موازات آن، چندین سیاست‌گذار در کشورهای پیشرفته بر لزوم اجرای ابزار فهرست سیاه علیه سرزمین‌هایی که استانداردهای شفافیت را نقض می‌کنند، تاکید کرده اند. اما آیا لیست سیاه کار می‌کند؟ رازداری بانکی یک موضوع همیشه سبز برای بحث ملی و بین‌المللی است. پس از بحران مالی جهانی، مبارزه با اسرار بانکی و همچنین علیه پناهگاه‌های مالیاتی و مراکز مالی فراساحلی به یک اولویت سیاسی در کشورهای پیشرفته تبدیل شده است (Balakina, D'Andrea, & Masciandaro, 2016).

نرخ‌های ارز شناور تا حدی منبع عدم اطمینان و ریسک برای شرکت‌های انتقالی بود، اما حرکت ارزها در برابر یکدیگر نیز زمینه‌ای برای کسب سود بیشتر از طریق سفته‌بازی فراهم کرد. هر دو جنبه بیشتر به افزایش تامین مالی فراساحلی دامن زد. برای مقابله با ریسک ارز، شرکت‌های انتقالی می‌توانند مبالغی را که به ارزهای مختلف بیان می‌شود در مراکز مالی فراساحلی، تجمع نمایند. برای استفاده از پتانسیل آربیتراژ در بازارهای ارز،

شرکت‌ها، می‌تواند ثبات سیستم مالی را دچار نوسان کند. با استفاده از تکنیک‌های اداره غیرمستقیم (شبکه تراستی)، شبکه مقررات‌گذار در جستجوی ساده‌سازی فرآیندها با نتایج ترکیبی هستند. تمرکز بر ابهام به‌عنوان عنصر محوری تامین مالی فراساحلی، کامل‌کننده رفتارهای قبلی این حوزه از منظر حقوق، انسان‌شناسی و روابط بین‌الملل است. از نظر تجربی، نظارت روزافزون مراکز فراساحلی داده‌های جدیدی را تولید کرده است که مطالعات آتی را تسهیل می‌کند (Sharman, 2010).

بهترین راه برای درک ماهیت مالی فراساحلی این است که ببینیم چگونه خدمات مالی فراساحلی ابهام حساب‌شده را تامین می‌کنند. به طور خاص، تراست‌های حفاظت از دارایی^۲، مالک بودن و مالک نبودن را بطور همزمان ارائه می‌دهند. زنجیره‌ای از شرکت‌های کاغذی فراساحلی، گزارش ارایه سودهای بالا و پایین را به طور همزمان تسهیل می‌کنند. نهادهای هدف ویژه^۳ بدین منظور مورد استفاده قرار می‌گیرند که امکان استقراض بدون بدهکار بودن را تامین کنند و نهایتاً سرمایه‌گذاری مستقیم «خارجی» همان پول داخلی است که ابتدا صادر شده و واردات مجدد می‌شود.

ویژگی‌های مراکز مالی فراساحلی

مراکز مالی فراساحلی بعنوان پدیده‌ای متاخر، دارای ویژگی‌های خاصی هستند که روند توسعه و تکامل آنها، علیرغم مخالفت جدی نهادهای مقررات‌گذار در کشورهای مختلف، سرعت یافته است و انتظار می‌رود این مسیر در آینده نیز ادامه داشته باشد. برخی از مهمترین قابلیت‌های مراکز مالی فراساحلی در ادامه توضیح داده شده است.

انعطاف‌پذیر در مورد مالیات و مقررات انجام داده اند. اصطلاح "فراساحل" بیشتر به عنوان سرمایه‌گذاری در حوزه قضایی خاص خارجی که چهارچوب‌های مقرراتی آن در مقایسه با اقتصاد داخلی، سهلگیرانه‌تر است اطلاق می‌شود (Antoine, 2014). بطور ویژه، شرایط یا تسهیلات مشخص یا مالی برای سرمایه‌گذاران که از تمام یا بخشی از کنترل‌های نظارتی خاص یا مالیات بر فعالیت، معاف هستند که این معافیت‌ها و تسهیلات برای دیگر سرمایه‌گذاران مقیم اعمال نمی‌شود و صرفاً ویژه اشخاص خارجی است (Zainudin, Yasin, & Zulkifli, 2021).

بانکداری فراساحلی رابطه‌ای را توصیف می‌کند که یک شرکت یا فرد با یک موسسه مالی خارج از کشور محل سکونت خود دارد. این کار مستلزم افتتاح یک حساب بانکی و واریز، برداشت و انتقال از آن حساب، مشابه با عملیات بانکداری در داخل آن کشور است (Hayes, 2024).

ابهام حساب شده

امور مالی فراساحلی یک انکوباتور و زمینه آزمایشی برای بحث‌های اساسی در اقتصاد سیاسی بین‌المللی فراهم می‌کند. ویژگی مشترک در میان محصولات مالی فراساحلی، ابهام حساب‌شده^۱ است: توانایی دادن پاسخ‌های کاملاً متضاد اما از نظر قانونی معتبر به یک سؤال از بخش‌های مختلف. بنابراین مفهوم فراساحلی به افراد و بنگاه‌ها امکان می‌دهد از همزمان از ویژگی مالک بودن و مالک نبودن برخوردار شوند، سود و زیان‌دهی بالا داشته باشند، بدهی زیادی داشته باشند اما در واقع، بدون بدهی باشند و هر وقت که تمایل داشتند سرمایه‌گذاری خارجی یا داخلی تلقی شوند. اعطای چنین مزایایی که به افراد و

² Asset Protection Trust

³ Special Purpose Entity

¹ Calculated Ambiguity

مالک بودن و مالک نبودن

اولین محصول فراساحلی در نظر گرفته شده برای نشان دادن ایده ابهام محاسبه شده، تراست حفاظت دارایی است که برای اولین بار در سال ۱۹۸۴ در جزایر کوک ایجاد شد. در اینجا هدف حفظ کنترل عملی بر دارایی ها و درآمد است، در حالی که مالک اصلی از مالک ثبت شده از منظر حقوقی و قانونی منفک هستند (ITIO, 2002).

تراست بیشتر شبیه یک قرارداد است تا یک شرکت: از خود شخصیت قانونی ندارد و یک رابط قانونی بین یک دارایی خارجی است. بدون داشتن شخصیت حقوقی، تراست در عوض یک رابطه حقوقی بین طرفی است که دارایی ها را به طور مشروط واگذار می کند، طرفی که از مزایای مشروط این دارایی ها بهره می برد و طرفی برای مدیریت دارایی ها را بر عهده دارد و از رعایت شرایط اطمینان حاصل می نماید (Chaikin, 2005).

سوددهی بالا و سوددهی پایین بصورت همزمان
یکی از بارزترین تفاوت ها در مراکز مالی فراساحلی، اغلب تعداد زیاد شرکت های مقیم نسبت به تعداد افراد مقیم است، به عنوان مثال، ۴۴۶ هزار شرکت خارجی در جزایر ویرجین بریتانیا ثبت شده است، در حالیکه تعداد شرکت های مقیم به ۲۲ هزار مورد می رسد (BVI FSC, 2008).

اگرچه کاربردهای بسیار متنوعی برای شرکت های فراساحلی وجود دارد، نمونه بارز آن استفاده از چندین شرکت تابعه فراساحلی برای شرکت های مادر در سرزمین اصلی است. در دنیای ایده آل خود، شرکت ها می توانند خود را برای سرمایه گذاران بسیار سودده و سود بسیار کم (یا حتی زیانده) مقامات مالیاتی نشان دهند. استفاده از مراکز و محصولات مالی فراساحلی به بسیاری از شرکت ها در دستیابی به این دنیای ایده آل کمک کرده است. نقطه

ورود زمانی است که شرکت ها سود خود را به دو مخاطب مختلف گزارش می دهند، مقامات مالیاتی به صورت خصوصی، سرمایه گذاران بصورت بخش عمومی و با استفاده از دو رویه متفاوت، به ترتیب «سود مالیاتی» و «سود دفتری» ایجاد می کنند (GAO, 2002).

زمانی که مالیات بر درآمد شرکتی برای اولین بار معرفی شد، فرض بر این بود که این دو ارزش اگر یکسان نباشند مشابه هستند. با این حال، در واقع، به لطف حسابداری فرصت طلبانه^۱، این دو ارزش در دهه گذشته با سرعتی شتابان از هم جدا شده اند. افراطی ترین نمونه ها نشان می دهد که شرکت ها به طور همزمان سودهای کلان را به سرمایه گذاران گزارش می دهند اما از زیان های قابل توجه در تعامل با مقامات مالیاتی سخن می رانند (Desai, 2005).

این «جهان های موازی» که واگرایی فزاینده ای را ایجاد نموده است، عمدتاً به رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات برمی گردد که تولید و عملکرد ساختارهای شرکتی بسیار پیچیده را ممکن می کند و در عین حال، این ساختارهای پیچیده به سادگی در دسترس مالکین آنها قرار دارند. انتقال سود در فضا، از کشوری به کشور دیگر و در طول زمان اجازه می دهد تا سودهای دفتری را به جلو بیاورند و در عین حال سود مالیاتی را به عقب برانند. بنابراین، زنجیره ای متشکل از صدها شرکت در حوزه های قضایی مانند دلور، لوکزامبورگ، هنگ کنگ و باهاما برای نگهداری از مالکیت معنوی، انجام وظایف خزانه داری و مدیریت بدهی های درون گروهی برای همان شرکت مادر در سرزمین اصلی ایجاد شده است (Cloyd, Mills, & Weaver, 2003).

با بازگشت به پیامدهای سیستمی، مزایای شرکت ها در کسب سود بالا و پایین برای مخاطبان مختلف، مشکلات

^۱ Opportunistic Accounting

خارج از ترازنامه خود نگه داشت. ابزار این فرآیند، بکارگیری بیش از ۶۰۰ نهاد مستقر در جزایر کیمن و ۸۰۰ شرکت در دلور بودند. تا زمانی که قیمت سهم همچنان در حال افزایش بود، همه چیزهای خوب در واقع با هم همراه بودند، اما زمانی که قیمت سهام شروع به کاهش کرد، برعکس اتفاق افتاد. قیمت سهام انرون کاهش یافت ارزش SPE در نتیجه کاهش یافت و نتوانست پوشش ریسک خود را انجام دهد. این باعث تضمین انرون برای ارزش SPE شد؛ بدهی‌های خارج از ترازنامه به ترازنامه انرون بازگردانده شد و باعث کاهش بیشتر قیمت سهام شد.

همانطور که در بالا ذکر شد، این ابهام حساب شده، مالک بودن و مالک نبودن، وام گرفتن بدون ایجاد بدهی، می‌تواند بسیار سودمند باشد. اما از نظر سیستمی ممکن است عواقب آن ناخوشایند باشد. اگر استفاده از این محصولات و سایر محصولات فراساحلی به این معنی باشد که هیچ کس مطمئن نیست که چه کسی چقدر به چه کسی بدهکار است، یا چه کسی چه خطراتی را متحمل می‌شود، یک شوک می‌تواند باعث بحران اعتماد و مدیریت نقدینگی شود. به نظر می‌رسد این دقیقاً همان چیزی است که با مسدود شدن وام بین‌بانکی از اوت ۲۰۰۷ اتفاق افتاد (Sharman, 2010).

سرمایه‌گذاری خارجی با پول داخلی

بررسی کلی ابهام حساب شده در مراکز مالی فراساحلی به ویژه برای جهان در حال توسعه مهم است: سرمایه‌گذاری خارجی با استفاده از پول داخلی ارسال شده به صورت رفت و برگشت از طریق مراکز فراساحلی. ناکامی در درک اهمیت کانال‌های مالی فراساحلی، درک سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را در کشورهای در حال توسعه به‌ویژه در مورد چین به‌طور قابل توجهی منحرف کرده است. چین

جدی اجتناب از مالیات را ایجاد می‌کند. فراتر از سهم خود مالیات شرکتی، این نوع اجتناب سیستماتیک مشروعیت سیستم مالیاتی را به عنوان یک کل کاهش می‌دهد، که به نوبه خود باعث ایجاد مشکلات انطباق با سایر جنبه‌های رویه مالیاتی می‌شود. علاوه بر این، استفاده از زنجیره‌های شرکت‌های تابعه فراساحلی کیفیت اطلاعات موجود در بازار را به شدت کاهش می‌دهد. فراتر از تهدیدات برای عملکرد مناسب بازار، کیفیت تنزل یافته اطلاعات موجود دوباره مشروعیت سیستم‌های سرمایه‌داری مبتنی بر شرکت‌های دولتی را در افکار عمومی تهدید می‌کند (Rawlings & Braithwaite, 2003).

استقراض بدون ایجاد بدهی

شرکت‌ها با تقاضاهای متضاد افزایش سرمایه از طریق استقراض مواجه می‌شوند و در عین حال، به دنبال حفظ رتبه اعتباری و قیمت سهام خود با به حداقل رساندن بدهی هستند. یک مثال واضح و در نهایت فاجعه‌بار از یک استراتژی فراساحلی به کار گرفته شده برای تطبیق این الزامات متضاد، استفاده انرون^۱ از نهادهای با هدف ویژه^۲ (SPEs) برای استقراض بود که این بدهی را بصورت حرفه‌ای از ترازنامه خود خارج و به زیرمجموعه منتقل می‌کرد. انرون برای اینکه به‌طور قانونی وام‌ها را خارج از ترازنامه و سرمایه‌گذاری‌های پوششی خود نگه دارد، باید ریسک را به‌طور اساسی به طرف دیگری (SPE) منتقل می‌کرد، که به نوبه خود باید حداقل سه درصد سهام مستقل داشته باشد (Brittain-Catlin, 2006).

از طریق یک سری تراکنش‌های پیچیده که شامل SPE های فراساحلی بود، برای مدتی انرون موفق شد حس پیروزی داشته باشد و این فرآیند را ادامه دهد. این شرکت با انتقال ظاهراً ریسک به شخص ثالث، استقراض‌ها را

² Special Purpose Entities

¹ Enron Corporation, as an American energy, commodities, and services company based in Texas, was bankrupted in 2001 with more than 20 thousand employees.

ابهامات حساب شده در خارج از کشور در رابطه با مالک بودن/مالک نبودن تا حدی موفقیت داشته‌اند. بسیاری از مؤسساتی که نمونه «نظم نوین جهانی» نامیده می‌شوند، بازیگران اصلی در تنظیم مقررات مالی فراساحلی بوده‌اند. به عنوان مثال می‌توان به گروه ویژه اقدام مالی^۱ (در مورد پول شویی)، سازمان بین‌المللی کمیسیون‌های امنیتی^۲، انجمن بین‌المللی ناظران بیمه^۳ (در مورد تبادل اطلاعات مالی)، کمیته بازل (ممنوع کردن بانک‌های پوستانه‌ای خارج از کشور)، OECD (ابتکار عمل برای توقف رقابت مالیاتی «مضر»)، کشورهای مشترک المنافع (دفاع از مراکز مالی فراساحلی زیرمجموعه اعضای خود) و مجمع ثبات مالی (از طریق گروه کاری فراساحلی آن). اکثر این نهادها دارای معادل‌های منطقه‌ای و فراساحلی نیز هستند (مانند گروه آسیا و اقیانوسیه در زمینه پول شویی^۴، گروه فراساحلی ناظران بانکی^۵ و غیره).

این شبکه‌ها از طریق تبادل اطلاعات، ایجاد اعتماد بین اعضاء و اجتماعی شدن می‌توانند ضریب تاثیر خود بر مراکز مالی فراساحلی را افزایش دهند. مراکز مالی فراساحلی همواره اولویت اصلی کسانی بوده است که در قالب شبکه‌های نظارتی فراملی برای اعمال حکمرانی جهانی در رابطه با جریان‌های اقتصادی بین‌المللی تلاش می‌کنند (Sharman, 2010).

نهادهای فوق و سایر مؤسسات بین‌المللی از طریق طبقه‌بندی‌های خود تا حدودی مراکز مالی فراساحلی را بازسازی و ساده‌سازی کرده‌اند. سازمان‌های بین‌المللی به‌جای تکیه بر تحریم‌های اقتصادی یا قضاوت‌های قانونی الزام‌آور (در واقع، استفاده کمتر از نیروی نظامی و بکارگیری ابزارهای نرم)، از ابزارهای نفوذ تا حدی مستقیم و اغلب مؤثر استفاده می‌کنند. اقتدار بوروکراتیک و

به‌عنوان نمونه‌ای از توسعه اقتصادی و کاهش فقر بر اساس توانایی‌اش در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در مقابل دیگران قرار می‌گیرد. چین حتی با در نظر گرفتن جمعیت و وسعت وسیع آن، سهم نامتناسبی از FDI در کشورهای در حال توسعه دریافت کرده است. دلیل خوبی وجود دارد که فکر کنیم موفقیت چین در این حوزه به طور قابل توجهی اغراق شده است، با این حال، از آنجایی که بیشتر این سرمایه‌گذاری «خارجی» در واقع پول محلی است که به خارج از کشور فرستاده می‌شود و سپس از طریق شرکت‌های پوستانه‌ای فراساحلی بازگردانده می‌شود. به این ترتیب، پول داخلی به پول خارجی تبدیل شده و از مزایای آن بهره‌مند می‌شود.

اما به استثنای سه کشور OECD و تایوان، بسیاری از بقیه سرمایه‌گذاری‌ها (از جمله سرمایه‌گذاری از هنگ‌کنگ) در واقع پول داخلی چین است که به خارج از کشور فرستاده شده و با استفاده از شرکت‌های فراساحلی معرفی شده است. سرمایه‌گذاری به طور قانونی خارجی می‌شود و بنابراین واجد شرایط برای امتیازات نظارتی و مالیاتی ویژه است. چین دومین سرمایه‌گذار خارجی بزرگ در جزایر کیمن است که ده برابر بیشتر از ایالات متحده سرمایه‌گذاری کرده است. بنابراین، سهم قابل توجهی از سرمایه‌گذاری «خارجی» چین، در واقع وجوه محلی «رفت و برگشت» از طریق مراکز فراساحلی است (Vlcek, 2007).

ظهور شبکه‌های نظارتی فراملی

در طول دهه گذشته، در زمینه‌هایی مانند مبارزه با پول شویی و مقررات‌گذاری احتیاطی، سازمان‌های بین‌المللی آنقدر از استانداردهای موجود دفاع نکرده‌اند تا موفقیت آن‌ها تقویت شود. این نهادها در اقدامی برای محدود کردن دامنه

^۴ Asia-Pacific Group on Money Laundering

^۵ Offshore Group of Banking Supervisors

^۱ FATF: Financial Action Task Force

^۲ International Organization of Security Commissions

^۳ International Association of Insurance Supervisors

یک نگرش عمیقاً دوسوگرا نسبت به این قوانین جدید داشته اند.

منافع شرکت‌ها حتی در دفاع از «جهان‌های موازی» سود دفتری و مالیاتی و همچنین وام‌گیری بدون بدهی مؤثرتر بوده‌اند. از نظر دفاع از ثبات سیستم مالی جهانی، احتمالاً این مورد آخر، مهم‌ترین است، چرا که از نظر مالی هزینه‌های حسابداری مالیاتی شرکت‌ها بسیار بیشتر از هزینه‌های حساب‌های بانکی مخفی است. به نظر می‌رسد که سیاست‌گذاران کشورهای OECD اغلب درگیر این تصور هستند که ساده‌سازی این ابهام حساب‌شده در مراکز مالی فراساحلی، رقابت‌پذیری شرکت‌های ملی در بازارهای بین‌المللی را به خطر می‌اندازد.

عملیات مالی فراساحلی بیانگر شیوه‌ای عمل‌گرایانه و اساساً تصادفی برای بهبود تنش فزاینده بین دو فرآیند اصلی و تاریخی متضاد است. اولین مورد، تقویت امتیازات حاکمیتی دولت‌ها از قرن نوزدهم است، دومی که در تضاد با اولی است، توسعه فزاینده بازار و سیستم سرمایه‌داری جهانی است (Sharman, 2010).

تلاش‌های نظارتی چندجانبه اخیر برای مهار مراکز مالی فراساحلی به عنوان یک گفتمان خوشبینانه جدید در این حوزه توصیف می‌شود. علیرغم تفاوت‌هایی که بین ابتکارات مختلف وجود دارد، گفته می‌شود که «کنکاش موشکافانه»^۱ برای همه آنها اهمیت دارد. بسیار شبیه به اصل «مشتري خود را بشناسید»، این مفهوم به معنی دقت لازم و مسئولیت‌پذیری توسط واسطه‌های مالی برای انجام اقدامات احتیاطی به منظور احراز هویت و بررسی اطلاعات مشتریان است. به عنوان یک استراتژی مدیریت ریسک، گفته می‌شود که این مساله ارتباط کمی با اقتصاد در

عقلانی-حقوقی و همراهی آنها با اهداف هنجاری ارزش‌گذاری شده، سازمان‌های بین‌المللی را قادر می‌سازد تا خواسته مد نظر خود را شکل دهند. توانایی موسسات نظارتی بین‌المللی برای گسترش یا عدم استفاده از برچسب‌ها یا طبقه‌بندی‌های مثبت و منفی، بسته به انطباق آن‌ها با استانداردها، در فهرست‌های سفید یا فهرست سیاه، بعنوان یک ابزار قدرتمند، همواره مورد استفاده بوده است. تصمیم‌گیری در مورد اینکه دقیقاً کدام حوزه‌های قضایی به عنوان مراکز مالی فراساحلی طبقه‌بندی شوند، به عنوان نمونه برجسته‌ای از این نوع فعالیت‌ها است. تعداد کمی از مراکز فراساحلی مایل به آسیب دیدن شهرت ناشی از سرپیچی از سازمان‌های بین‌المللی بوده‌اند و آنها نیز در جذب سرمایه‌های بین‌المللی، چندان موفق نبوده‌اند (Webb, 2004).

از نظر موفقیت ملموس (اما ناقص)، استانداردهای مختلفی توسط OECD، FATF و سایرین منتشر شده است که به موجب آن باید حداقل یک فرد خاص که مالک یا کنترل هر شرکتی (شرکت، تراست و شراکت) را در دست دارد، قابل احراز هویت باشد. مسئول ساختن افراد خاص از این طریق به حل مشکلات کمک می‌کند: پیدا کردن صاحب منفعت نهایی^۱. این اصل به عنوان «مشتري خود را بشناسید»^۲ (KYC) نامیده می‌شود. این استاندارد جدید ایجاد مالکیت تاکنون تنها تا حدی برآورده شده است، زیرا کشورهای اصلی تمایلی به پذیرش استانداردهایی که برای دیگران می‌خواهند ندارند. اما در حال حاضر دسترسی به شبکه‌های بانکی بین‌المللی بدون شناسایی صریح حداقل یک نفر که به وضوح مسئول است برای شرکت‌ها بسیار دشوارتر است. کشورهایایی مانند ایالات متحده و بریتانیا

³ due diligence

¹ ultimate beneficial owner

² Know Your Customer

اما دهه ۵۰ میلادی را مبدا زمانی و اروپای غربی را مبدا مکانی پیدایش این مراکز عنوان می‌کنند. در دهه ۱۹۷۰ در سراسر جهان بدلیل تاثیرات مثبت اقتصادی بر کشورهای مبدا و پیرامونشان، این مراکز گسترش یافتند.

مراکز مالی فراساحلی مهم بین‌المللی

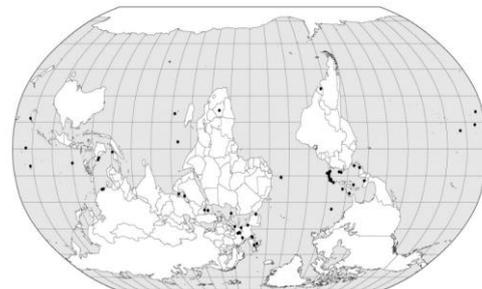
اکنون پس از آشنایی با کلیاتی چون ماهیت، کارکردها و فعالین و سرمایه‌گذاران مراکز مالی فراساحلی، معرفی برخی از ویژگی‌های جغرافیایی و اقتصادی مطرح‌ترین آنها این مراکز مفید است. در انتها نیز اطلاعاتی پیرامون جزیره کیش جهت مقایسه با مراکز منتخب ارائه شده است:

لبوان مالزی:

لبوان شامل جزیره لبوان و شش جزیره کوچکتر در سواحل ایالت صباح در شرق مالزی است. پایتخت لبوان ویکتوریا است و بیشتر به عنوان یک مرکز مالی فراساحلی شناخته شده است که خدمات مالی و تجاری بین‌المللی از سال ۱۹۹۰ ارائه می‌کند و همچنین مرکز پشتیبانی دریایی برای فعالیت‌های نفت و گاز در آب‌های عمیق در منطقه است. نام لبوان از کلمه مالایی لبوهان به معنای بندر گرفته شده است. از زمان آغاز به کار، این جزیره گسترش یافته و به پایگاهی برای بیش از ۶۵۰۰ شرکت فراساحلی و ۳۰۰ موسسه مالی دارای مجوز از جمله بانک‌های پیشرو جهان تبدیل شده است. لبوان در حال اتخاذ یک استراتژی رشد تهاجمی برای تبدیل شدن به برترین مرکز تجاری و مالی بین‌المللی در منطقه آسیا و اقیانوسیه است. با توجه به اینکه اطلاق مرکز مالی فراساحلی توسط حاکمیت مرکزی مالزی به این جزیره انجام شده است، این ساختار در ایران نیز می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. بدین معنی که یکی از جزایر ایران (مانند جزیره کیش) به لحاظ مقررات بانکی، مالی و بیمه‌ای از سرزمین اصلی تفکیک شود.

سرزمین اصلی دارد و چندان با مدل‌های کمی نیز قابل ارزیابی نیست.

اقدامات اخیر توسط نهادهای بین‌المللی به تغییر فضا کمک نموده است. کمپین افزایش شفافیت مالی، به ویژه مبارزه با پولشویی، این وضعیت را به طور اساسی تغییر داده است و این مراکز، اطلاعات بهتری از بخش‌های مالی خود دارند. مراکز پیشرو آماده انتشار عمومی اطلاعات بیشتر هستند. جزایر کیمن، جرسی، گرنزی، جزیره من، آنتیل هلند و سایرین اکنون هر سه ماه به بانک تسویه بین‌الملل گزارش می‌دهند. ۴۲ مرکز فراساحلی از نظر انطباق با استانداردهای ضد پولشویی، بیمه، اوراق بهادار و بانکی توسط صندوق بین‌المللی پول ارزیابی شده‌اند. با این حال، حتی با پیشرفت‌های اخیر، شکاف‌های قابل توجهی باقی مانده است (Sharman, 2010).



شکل ۱: مراکز مالی فراساحلی

تاریخچه مراکز مالی فراساحلی

تاریخ دقیق شکل‌گیری اولین مرکز مالی فراساحلی نامعلوم است. برخی اولین بارقه‌های پیدایش آن را در پایان قرن نوزدهم میلادی در ایالات نیوجرسی و دلاویر^۱ آمریکا که با قوانین سهلگیرانه^۲ قصد جذب سرمایه را داشتند ذکر کرده‌اند که بعدتر در ۱۹۲۰ در «زاگ»^۳ سوئیس از آن الگو برداری شد (Hebous, 2011). اغلب مورخین اقتصادی

³ Zug

¹ Delaware

² Lax Regulation

هنگ کنگ: مرکز یوآن فراساحلی

هنگ کنگ یک مرکز مالی بین‌المللی برای یوآن فراساحلی^۱ است. هنگ کنگ اولین بازار فراساحلی بود که پرداخت یوآن فراساحلی را در سال ۲۰۰۴ راه‌اندازی کرد. از آن زمان، هنگ کنگ به قطب جهانی برای تسویه حساب، تامین مالی و مدیریت دارایی یوآن فراساحلی تبدیل شده است، جایی که طیف گسترده‌ای از محصولات و خدمات یوآنی برای رفع نیازها در دسترس است. کسب‌وکارها، موسسات مالی و سرمایه‌گذاران. فعالیت‌های یوآن فراساحلی در هنگ کنگ توسط استخر نقدینگی یوآن در هنگ کنگ پشتیبانی می‌شود که بزرگترین در خارج از سرزمین اصلی چین است. در پایان اکتبر ۲۰۱۵، سپرده‌های مشتریان رنمینی و گواهی سپرده صادر شده توسط بانک‌های هنگ کنگ روی هم به حدود ۱ تریلیون یوان RMB می‌رسید.

سیزدهمین برنامه پنج ساله چین برای توسعه ملی اقتصادی و اجتماعی، بر عزم خود برای تبدیل یوآن برای حساب سرمایه به شیوه‌ای منظم و پیشبرد آزادسازی حساب سرمایه و بین‌المللی‌سازی یوآن تاکید می‌کند. همچنین از هنگ کنگ برای تقویت موقعیت خود به عنوان یک مرکز تجاری جهانی رنمینی در خارج از چین حمایت نموده و وضعیت هنگ کنگ را به عنوان یک مرکز مالی بین‌المللی تقویت می‌کند.

تلاش‌های بین‌المللی‌سازی چین در سال ۲۰۱۰ زمانی که بازار یوآن فراساحلی هنگ کنگ را تأسیس کرد، آغاز شد. این به بانک‌های منتخب اجازه داد تا عملیاتی بانکی یوآن فراساحلی را انجام دهند و یک خط سوآپ و یادداشت تفاهم با بانک مرکزی سرزمین اصلی ایجاد کرد.

با وجود سایر مراکز مالی بزرگ مانند لندن و سنگاپور، که هر دو سهمی از یوآن فراساحلی دارند، هنگ کنگ همچنان در جایگاه پیشرو باقی مانده است. در حال حاضر، هنگ کنگ ۷۵ درصد از تمام پرداخت‌های یوآن فراساحلی را تسهیل می‌کند و ۷۶۱ میلیارد یوان از سپرده‌های در هنگ کنگ است که تقریباً نیمی از کل جهانی است.

جزایر کیمن

این جزایر از سه جزیره کیمن بزرگ^۲، کیمن براق^۳ و کیمن کوچک^۴ تشکیل شده است. جزایر کیمن در جنوب کشور کوبا و شمال غربی جامائیکا قرار دارد. این جزایر به ترتیب دارای مساحتی به ابعاد ۱۹۷، ۳۸ و ۲۸.۵ و مجموعاً ۲۶۴ کیلومتر مربع است. جمعیت آن بنابر سرشماری سال ۲۰۱۰ بالغ بر ۵۴ هزار نفر می‌باشد. این جزایر جزو سرزمین‌های خارجی بریتانیا^۵ محسوب می‌شود و فرماندار آن توسط ملکه منصوب می‌گردد^۶ و دفاع از این جزیره برعهده انگلستان است (CIA, 2018).

این جزایر دارای جذابیت‌های توریستی بالایی بوده و صنعت توریسم به عنوان یکی از سه صنعت اصلی در این جزایر کنار صنعت املاک و مستقالات و خدمات مالی، عنوان می‌شود. سازمان سیا سهم صنعت گردشگری از اقتصاد داخلی کیمن را قریب به ۷۰٪ اعلام کرده است. مجموعاً بخش خدمات سهمی ۹۱٪ در تولید ناخالص داخلی کیمن دارد (CIA, 2018). در این جزایر هیچگونه مالیات مستقیمی اخذ نمی‌شود و تصاحب ملک توسط خارجی‌ان بلامانع است. هفت بانک در این جزایر

^۴ Little Cayman

^۵ British Overseas Territories

^۶ این سرزمین‌ها تحت قوانین بریتانیا اداره می‌شوند.

^۱ Offshore Renminbi

^۲ Grand Cayman

^۳ Cayman Brac

را در مراکز مالی فراساحلی نگره‌داری و مدیریت می‌کنند. شرکت آپل ۱۸۱ میلیارد دلار، جنرال الکتریک ۱۱۹ میلیارد دلار، مایکروسافت ۱۰۸ میلیارد دلار، فیزر ۷۴ میلیارد دلار از دارایی‌های خود را در مراکز آفشور نگهداری کرده‌اند. علاوه بر این، خبرگزاری رویترز در گزارش دیگری جمع کل دارایی‌های موجود در مراکز مالی فراساحلی را ۳۲ تریلیون دلار اعلام کرده است.

بررسی وضعیت تاسیس مرکز مالی فراساحلی در ایران

اکنون به بررسی قوانین مربوط به مناطق آزاد تجاری می‌پردازیم:

در ماده یک قانون چگونگی اداره مناطق آزاد، به طور خاص به تمرکز بر بازارهای کالا کار اشاره شده:

ماده ۱ - به منظور تسریع در انجام امور زیربنایی، عمران و آبادانی رشد و توسعه اقتصادی، سرمایه‌گذاری و افزایش درآمد عمومی، ایجاد اشتغال سالم و مولد، تنظیم بازار کار و کالا، حضور فعال در بازارهای جهانی و منطقه‌ای، تولید و صادرات کالاهای صنعتی و تبدیلی و ارائه خدمات عمومی، به دولت اجازه داده می‌شود مناطق ذیل را به عنوان مناطق آزاد تجاری و صنعتی بر اساس موازین قانونی و این قانون اداره نماید [...].

در ماده ۱۸ این قانون البته بدرستی نیاز به بازار مالی قوی در مناطق آزاد تجاری شناسایی و فرصتی ۳ ماهه به بانک مرکزی جهت تدوین قوانین مالی داده شده است:

ماده ۱۸ - آیین‌نامه اجرایی عملیات و معاملات پولی و بانکی در مناطق توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران طی مدت سه ماه پس از تصویب این قانون با هدف

خدمات کامل بانکی ارائه می‌دهند و ۱۵۰ بانک دیگر از ۴۵ کشور نیز به فعالیت بانکی برون مرزی مشغول‌اند. این بانک‌ها مجموعاً در ژوئن سال ۲۰۱۷، ۱۰۰۳ و در ژوئن سال ۲۰۱۵، ۱۰۳۷ تریلیون دلار دارایی خارجی جذب کرده‌اند (Cayman Islands, 2018).

جذب سرمایه خارجی و تعداد بانک‌های فعال در این جزایر روندی نزولی به خود گرفته است. با مقایسه با حجم سپرده ۱۰۴۵ تریلیون دلاری در سال ۲۰۱۵ جذب شده توسط تمامی بانک‌های اسلامی، موفقیت جزیره کیمین نمایان‌تر می‌شود (State of The Global Islamic Economy, 2017).

آمار دارایی‌های فراساحلی

مطابق با گزارش صندوق بین‌المللی پول، حداقل ۱۰ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان در بانک‌های مستقر در مراکز مالی فراساحلی مدیریت می‌شود. دفتر ملی تحقیقات اقتصادی آمریکا (NBER) در گزارشی می‌نویسد: این آمار در کشورهای مختلف متفاوت است. از ارقام نزدیک به صفر در کشورهای اسکاندیناوی تا رقم ۱۵٪ برای کل قاره اروپا. در کشورهای حوزه خلیج فارس و همینطور آمریکای لاتین، حجم دارایی‌های موجود این کشورها در بانک‌های فراساحلی به ۶۰٪ هم می‌رسد. مجله اکونومیست می‌نویسد نزدیک به ۵۰ درصد از دارایی‌های کشور روسیه در مراکز مالی فراساحلی و بانک‌های حاضر در این مناطق گردش و مدیریت می‌شود. این آمار در مورد عربستان و ونزوئلا به ۶۰ تا ۷۰ درصد نیز می‌رسد.

خبرگزاری رویترز در گزارشی اعلام کرد ۵۰۰ شرکت برتر آمریکایی حدود ۲۱۰۰ میلیارد دلار از دارایی‌ها خود

^۱ البته سازمان سیا تعداد بانک‌های فعال را ۲۸۰ بانک با احتساب بانک‌های با مجوز فعالیت داخلی عنوان کرده است (CIA, 2018) که ممکن است ناشی از پنهان کاری مسئولین این جزایر باشد.

بالمقوه. چیزی که دقیقاً خلاف آن، در دستورالعمل اجرایی عملیات پولی و بانکی در مناطق آزاد رخ داده است:

در ماده ۱۰ آیین‌نامه مذکور حداقل سرمایه واحدهای بانکی برون مرزی ۱۰ میلیون دلار، موسسه برون مرزی ۵ میلیون دلار و شعبه بانک یا موسسه خارجی ۳ میلیون دلار عنوان شده است که باید به صورت نقد در بانک مرکزی سپرده شود. برای مقایسه میزان گزاف بودن این ارقام می‌توان به مرکز مالی فراساحلی لایوان مالزی اشاره کرد که برای فعالیت بانکی هزینه‌ها محدود به پرداخت ۳۰ هزار دلار هزینه سالانه و هزینه ۲۵۰۰ دلار دفتر بازاریابی است (IBFC, 2017). شکست رویکردی که منجر به وضع چنین ارقامی گشته با عدم استقبال سرمایه‌گذاران خارجی در مناطق آزاد تجاری ایران خود را نشان داده است. با این وجود رویکرد مخرب سیاست‌گذاران تداوم و حتی وخامت یافته است. تغییر مکرر حداقل سرمایه شاهدهی است از فضای مبهم و فقدان اطمینان موجود در مناطق آزاد تجاری ایران که این تغییرات در جدول ۶ این تغییرات آورده شده است. تغییراتی که نه در جهت تسهیل حضور سرمایه‌گذاران که منتج به سوق دادن آنها به حوزه‌های دیگر می‌شود.

جدول ۱: تغییرات الزام حداقل سرمایه برای کسب جواز فعالیت مالی در مناطق آزاد تجاری

تاریخ تصویب	بانک برون مرزی	موسسه برون مرزی	شعبه بانک موسسه برون مرزی
۱۳۷۹ شهریور	۱۰ میلیون دلار	۵ میلیون دلار	۳ میلیون دلار
۱۳۹۴ مرداد:	۲۵ میلیون یورو	۱۵ میلیون یورو	۵ میلیون یورو
۱۳۹۵ تیر	۱۵۰ میلیون یورو	- (بدون تغییر)	- (بدون تغییر)
۱۳۹۵ شهریور	۱۰۰ میلیون یورو	- (بدون تغییر)	- (بدون تغییر)

از تعیین سود سپرده‌ها به تشخیص واحدهای بانکی گفته شده است. امری که ذاتاً منطبق با ماهیت مراکز مالی فراساحلی بوده اما بعدتر بدلیل عدم نظارت کافی بانک

حفظ امکانات رقابتی منطقه در مقابل مناطق آزاد سایر کشورها تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

اولین نشانه‌های شکست طرح مناطق آزاد تجاری را شاید بتوان در ماده ۱۸ قانون فوق مشاهده کرد: لختی بیش از حد نهادهای قانون‌گذار؛ علی‌رغم تصویب این قانون در شهریور ماه سال ۱۳۷۲ و فرصت سه ماهه بانک مرکزی برای تدوین مقررات مالی حاکم بر این مناطق، دستورالعمل اجرایی عملیات پولی و بانکی در مناطق آزاد تجاری در شهریور ۱۳۷۹ یعنی ۷ سال بعد از مصوبه مجلس توسط شورای پول و اعتبار به تصویب رسید.

ماده قابل توجه دیگر مصوبه مجلس پیرامون مناطق آزاد تجاری ماده ۲۲ می‌باشد که به ثبت شرکت‌ها و وسایل نقلیه بعنوان یکی از محورهای اساسی مناطق آزاد تجاری و مراکز مالی فراساحلی اشاره شده است. هرچند در مرحله اجرا شاهد توفیق چندانی در این زمینه حاصل نگشته است:

ماده ۲۲ - ثبت شرکت‌ها و مالکیت‌های صنعتی و معنوی، همچنین ثبت کشتی‌ها، شناورها و هواپیماها در هر منطقه، توسط سازمان آن منطقه با رعایت اصل هشتاد و یکم قانون اساسی طبق ضوابط مصوب هیأت وزیران انجام می‌شود.

از ملزومات جذب سرمایه چه در مناطق آزاد تجاری و مراکز مالی فراساحلی در ایران، رقابت‌پذیر کردن آنها با سایر حوزه‌های مشابه موجود به طور عام و حوزه‌های واقع در منطقه خلیج فارس به طور خاص است. این مهم حاصل نمی‌گردد مگر با شفاف کردن قوانین و مقررات حوزه مد نظر و کاستن از ابهامات و هزینه‌های آتی سرمایه‌گذاران لازمه مهم دیگر مراکز مالی فراساحلی مقررات حداقلی است، مقرراتی چون تعیین میزان سقف سود پرداختی و یا تعیین سقف سرمایه‌گذاری در حیطه‌های مختلف نظیر بازار سرمایه و بازار مسکن و ... است. در ماده ۴۴ دستورالعمل اجرایی عملیات پولی و بانکی مناطق آزاد تجاری-صنعتی

نوع بانکداری را در شرایط تحریمی تبیین نماید. پیشنهاد محوری این مقاله برای توسعه مدل بانکداری فراساحلی در ایران با الگوبرداری از مدل جزیره لیوان مالزی است. دولت مالزی در سال ۱۹۹۰ قوانین بانکی و مالی این جزیره را از سرزمین اصلی تفکیک کرد و با این اقدام، عملاً یک نهاد ناظر بانکی و مالی در این جزیره ایجاد شد. این نهاد، به بانک‌ها و نهادهای مالی مجوز داده و بر آنها نظارت می‌نماید.

پیشنهاد می‌شود با توجه به شرایط زیرساختی کیش، این جزیره بعنوان مرکز مالی فراساحلی ایران انتخاب شود و قوانین بانکی و مالی در این جزیره، مشابه قوانین بانکی و مالی بین‌المللی باشد. به گونه‌ای که در این قوانین مالی سایر مناطق کشور (مانند محدودیت در ورود و خروج وجوه) در کیش برای اشخاص خارجی اعمال نشود.

جمع بندی و نتیجه گیری

مراکز مالی فراساحلی با تخصص یافتن در بازار مالی، سهم ویژه‌ای در جذب سرمایه‌گذاری خارجی از آن خود کرده است. نهادهای بین‌المللی فعال در حوزه مالی، به دلیل اهمیت این مراکز، تمرکز ویژه‌ای بر آنها داشته‌اند. در بخش تلاش‌های انجام شده برای نظارت و کنترل بر مراکز مالی فراساحلی به معرفی این سازمان‌ها و اقدامات آنها به اختصار پرداخته شده است.

نتایج مطالعات در حوزه بانکداری بین‌المللی نشان می‌دهد که در این شرایط نیز برخی از ابزارهای بانکداری بین‌المللی در داخل کشور قابل بومی‌سازی است و چنانچه موانع

مرکزی بر واحدهای سرزمینی بانکی به بحران تبدیل گشت و نهایتاً منجر به تعیین سقف برای سپرده‌های واحدهای بانکی مناطق آزاد تجاری شد. بانک‌های سرزمینی در مواجهه با محدودیت سقف سود سپرده اقدام به سپرده‌گیری با سود بالاتر از حد مجاز بعنوان کارگزار شعب خود در مناطق آزاد تجاری می‌نمودند و از این طریق سقف سود تعیین شده بلامحل گشت. در مقابل بانک مرکزی ابتدای چند نوبت با ابلاغیه‌هایی در سال‌های ۸۱ و ۸۶ در این باره هشدار داد و نهایتاً در سال ۱۳۹۰ دستور یکسان‌سازی نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌های بانکی و نرخ سود تسهیلات اعطایی مناطق آزاد و سرزمین اصلی را صادر نمود.

بانک مرکزی ایران با سپرده‌گذاری ذخایر ارزی خود در این مراکز می‌تواند ضمن بهره‌مندی از دریافت سود بالاتر نسبت به سپرده‌های فعلی خود در سایر بازارهای مالی، تراکنش‌های خود را از طریق این مراکز انجام دهد^۱ در شرایط عادی و غیر تحریمی انجام تراکنش‌های دلاری از طریق موسسات و نهادهای مالی آمریکایی مزیت‌های خود را دارد. اما اکنون نیز بخش عظیمی از تراکنش‌های دلاری بخصوص توسط غیر آمریکایی‌ها نه در ایالات متحده که در بازارهای مالی جهانی نظیر لندن تمرکز یافته و صورت می‌پذیرد (He & McCauley, 2010). انتخاب مراکز مالی فراساحلی جهت سپرده‌گذاری حساب‌های دلاری توسط سایر کشورها نه بخاطر تحریم که بنابر مزیت‌های این مراکز است.

پیشنهادات

در این مقاله تلاش شده است با مرور ادبیات نظری پیرامون مفهوم بانکداری فراساحلی، اهمیت و ضرورت این

^۱ با توجه به نیاز مبرم کشور به ارز و مشکلات حاصل از تحریم‌ها و امکان جذب ارز کشور در مرکز مالی فراساحلی و خطر از دست دادن منابع ارزی استفاده جریانی و نه انبارهای از این مناطق توصیه می‌شود.

Political Economy, Vol. 26, No. 2, pp. 313–336.

doi: <https://doi.org/10.1080/09692290.2019.1567571>

- Brittain-Catlin, W. (2006). *Offshore: The Dark Side of the Global Economy*. Farrar, Straus and Giroux.
- BVI FSC. (2008). *Statistical Bulletin. Road Town: British Virgin Islands Financial Services Commission*.
- Cayman Islands. (2018, 10 10). Retrieved 05 04, 2022, from Cayman Government: <http://www.gov.ky/portal/page/portal/cighome/cayman/thepeople/population>
- Chaikin, D. (2005). Policy and Legal Obstacles to Recovering Dictators' Plunder. *Bond Law Review*, Vol. 17, pp. 26–46.
- CIA. (2018, 10 10). *World Factbook*. Retrieved 05 06, 2019, from CIA: <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/cj.html>
- Cloyd, C. B., Mills, L. F., & Weaver, C. D. (2003). Firm Valuation Effects of the Expatriation of US Corporations to Tax Haven Countries. *Journal of the American Taxation Association*, Vol. 25, pp. 87–109.
- Desai, M. (2005). The Degradation of Reported Corporate Profits. *Journal of Economic Perspectives*, Vol. 19, pp. 171–92.
- GAO. (2002). *Financial Statement Restatements: Trends, Market Impacts, Regulatory Responses, and Remaining Challenges*. Government Accountability Office.
- Hayes, A. (2024, 08 18). *Offshore: Definition, How It Works, Pros and Cons*. Retrieved from Investopedia: <https://www.investopedia.com/terms/o/offshore.asp>
- He, D., & McCauley, R. N. (2010). Offshore markets for the domestic currency: monetary and financial stability issues. BIS. Retrieved 05 2022, 05, from <https://www.bis.org/publ/work320.htm>

داخلی این نوع بانکداری رفع شود، ذینفعان ایرانی می‌توانند از این خدمات بهره ببرند.

با توجه به اینکه بانک فراساحلی قرار است تمرکز خود را بر مشتریان خارجی داشته باشد و در شرایط دشوار فشارهای خارجی، ریسک بالایی متوجه مشتری بانک می‌شود، موضوع فناوری اطلاعات در بانک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به اینکه بروز حمله سایبری و سرقت احتمالی اطاعات مشتریان منجر به زیان سنگین بانک و حتی ورشکستگی آن می‌شود، دو پایگاه داده مجزا بدین منظور پیش‌بینی می‌شود. در پایگاه داده اول که بصورت آفلاین فعالیت خواهد داشت، کلیه اطلاعات مشتریان نگه‌داری می‌شود و از طریق شماره مشتری، تراکنش‌ها در پایگاه داده آنلاین انجام می‌پذیرد. در این حالت، چنانچه حمله سایبری به پایگاه داده آنلاین انجام شود، اطلاعات مشتریان در پایگاه داده وجود ندارد که مشکل خاصی برای آنان ایجاد شود.

ملاحظه می‌شود که با بکارگیری ابزارهایی مانند بانکداری فراساحلی که در دیگر کشورها توسعه یافته و با موفقیت از بوته آزمون بیرون آمده است، امکان ایجاد هاب منطقه‌ای امکان‌پذیر می‌شود و بخشی از تعاملات بین‌کشوری در غرب آسیا، می‌تواند از این مسیر انجام شود.

فهرست منابع :

- Antoine, R.-M. (2014). *Confidentiality in Offshore Financial Law*. Oxford.
- Balakina, O., D'Andrea, A., & Masciandaro, D. (2016). Bank secrecy in offshore centres and capital flows: Does blacklisting matter? *Review of Financial Economics*, Vol. 32, No. 1, PP. 30-57.
- Binder, A. (2019). All exclusive: the politics of offshore finance. *Review of International*

- Hebous, S. (2011). Money at the Docks of Tax Havens: A Guide. CESifo, 2,3.
- Ibfc. (2017, 10 10). Retrieved from labuan ibfc: <https://www.labuanibfc.com/areas-of-business/financial-services/banking/labuan-banking>
- ITIO. (2002). Towards a Level Playing Field: Regulating Corporate Vehicles in Cross-Border Transactions. London: International Trade and Investment Organization.
- Picard, P. M., & Pieretti, P. (2011). Bank secrecy, illicit money and offshore financial centers. Journal of Public Economics, Vol. 95, PP. 942-955.
- Rawlings, G., & Braithwaite, V. (2003). Voices for Change: Australian Perspectives on Tax Administration. Special Issue of Australian Journal of Social Issues, Vol. 38, pp. 261-430.
- Roberts, S. M. (2009). Finance, Offshore. Elsevier Ltd. Retrieved from https://geography.as.uky.edu/sites/default/files/faculty_publications/ElsevierEncyclopedia%20Offshore%20Finance.pdf
- sharman, j. (2010). offshore and the new international political economy. review of international political economy, 17:1, 1-19. doi:<http://dx.doi.org/10.1080/09692290802686940>
- (2017). State of The Global Islamic Economy. thomson reuters. Retrieved March 6, 2018, from <https://ceif.iba.edu.pk/pdf/ThomsonReuters-stateoftheGlobalIslamicEconomyReport201617.pdf>
- Vlcek, W. (2007). Governance in the Non-Independent Caribbean: Challenges and Opportunities in the Twenty-first Century. Brisbane: Ocean Conference on International Studies.
- Webb, M. (2004). Defining the Boundaries of Legitimate State Practice: Norms, Transnational Actors, and the OECD's Project on Harmful Tax Competition. Review of International Political Economy, Vol. 11, pp. 787-827.
- Zainudin, N., Yasin, N., & Zulkifli, H. (2021). Public Interest Disclosure in Labuan Offshore Banking: Is Statutory Intervention Necessary? Malaysian Journal of Social Sciences and Humanities, Vol. 6, N. 12, pp 247-257. doi: DOI: <https://doi.org/10.47405/mjssh.v6i12.1196>
- Zoromé, A. (2007). Concept of Offshore Financial Centers: In Search of an Operational Definition. IMF.
- مجلس شورا. (۱۳۷۲، ۶۷). قوانین: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی. بازیابی از مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی: http://rc.majlis.ir/fa/law/print_version/92283